



## “Z L L” and its derivatives in the Holy Qur’an from a semantic perspective

Reza Dadgar<sup>a\*</sup>

<sup>a</sup> Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Humanities, Farhangian University, Tehran, Iran, Email ([dadgar.hs@cfu.ac.ir](mailto:dadgar.hs@cfu.ac.ir))

### KEYWORDS

Semantics.  
Humiliation  
“ذ ل ل”  
Holy Qur’an  
Derivatives of “ذ ل ل”

### ABSTRACT

The word “ذلت” (humiliation) is one of the words that has been used in various forms in the Holy Qur’an to inform about the performance and results related to human behavior from the perspective of this concept and guide man in the path of dignity. On the other hand, in order to better understand the meanings of this word in the divine book, it is necessary to examine this concept and the words related to it, especially “ذ ل ل” and its derivatives, from the semantic point of view, and see which words have paradigmatic relations with it. This study used a descriptive analytical method in library research and examined “ذ ل ل” and its derivatives in the Holy Quran from a semantic point of view. The results show that “ذ ل ل” and its derivatives have been used in the Holy Qur’an 24 times. The word has a range of meanings that can paradigmatically and syntagmatically be classified to different degrees. Numerous examples of paradigmatic and synonymous relations can be found alongside phonetic paradigmatic relations. Finally, it was found that it is possible to examine the relationship between “ذ ل ل” and “س”, “ك ب ر”, “ع ز ز”, “ك ن”, “ع ذ ب”, “ر ه ق”, “غ ض ب” within the sentences and clarify the meanings of the different dimensions of “ذ ل ل” by analyzing its paradigmatic relations.

## «ذ ل ل» و مشتقات آن در قرآن کریم از منظر معناشناسی

رضا دادگر الف\*

الف استادیار، گروه آموزش معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، ایمیل ([dadgar.hs@cfu.ac.ir](mailto:dadgar.hs@cfu.ac.ir))

چکیده	واژگان کلیدی
<p>معنای ذلت یکی از کلماتی است که در صورت های گوناگون در کتاب قرآن کریم به کار رفته است تا بتواند از ابعاد گوناگون به عملکرد و نتیجه مرتبط با رفتار آدمی از منظر این مفهوم آگاهی بخشد و انسان را در مسیر عزت راهنمایی کند. از سوی دیگر برای فهم بهتر معانی مدنظر از این واژه در کلام الهی شایسته است از دیدگاه معنا شناسی هم این مفهوم و واژه های مرتبط با آن بویژه «ذ ل ل» و مشتقات آن بررسی شود و روشن گردد که چه کلماتی با این کلمه همنشینی بیشتری دارند و از منظر جانیشینی چه کلماتی معنای ذلت را تداعی می کنند. این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی به صورت کتابخانه ای به بررسی «ذ ل ل» و مشتقات آن در کتاب قرآن کریم از منظر معناشناسی پرداخته، نشان می دهد «ذ ل ل» و مشتقات آن که حدود ۲۴ بار در قرآن کریم به کار رفته دارای گستره معنایی است که در درجات متفاوتی رده بندی می شود از منظر جانیشینی و همنشینی در گونه های مختلف مصادیقی برای آن وجود دارد. مصادیق متعدد جانیشینی معنای و ترادف در کنار جانیشینی هم آوایی یافت می شود؛ در نتیجه معلوم شد که می توان با بررسی رابطه «ذ ل ل» با «ع ز ز» - «ک ب ر» - «س ک ن» - «ع ذ ب» - «ر ه ق» - «غ ض ب» در جملات و ایجاد یک همنشینی ابعاد مختلف «ذ ل ل» را روشنتر ساخت.</p>	<p>معناشناسی، ذلت، «ذ ل ل»، قرآن کریم، مشتقات «ذ ل ل».</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۹</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷</p>

## «ذ ل ل» و مشتقاته في القرآن الكريم من وجهة نظر علم الدلالي

رضا دادگر الف\*

استاذ مساعد، قسم الدراسات الإسلامية، كلية العلوم الإنسانية، جامعة فرهنكيان، طهران، إيران، البريد الإلكتروني ([dadgar.hs@cfu.ac.ir](mailto:dadgar.hs@cfu.ac.ir))

المفاتيح:	الملخص
علم الدلالي ذلة، «ذ ل ل»، القرآن الكريم، مشتقات «ذ ل ل».	إن معنى ذلة هو أحد الكلمات التي استخدمت في كتاب القرآن الكريم بأشكال مختلفة، حتى يكون وعياً بالأداء والنتيجة المتعلقة بالسلوك الإنساني من منظور هذا المفهوم وتوجيه الإنسان في طريق العزة. ومن ناحية أخرى من أجل فهم معاني هذه الكلمة في الكلمة الإلهية بشكل أفضل، من الناحية الدلالية، لابد من دراسة هذا المفهوم والكلمات المرتبطة به، وخاصة «ذ ل ل» ومشتقاتها، و توضيح الكلمات الأكثر توافقاً مع هذه الكلمة ومن وجهة نظر الاستبدال، ما هي الكلمات التي تثير معنى الذل. يتناول هذا البحث الذي يستخدم المنهج الوصفي التحليلي على شكل مكتبة، دراسة «ذ ل ل» ومشتقاته في القرآن الكريم من الناحية الدلالية، ويبين أن «ذ ل ل» ومشتقاته استخدمت حوالي ٢٤ مرة في القرآن الكريم لقد ذهب القرآن الكريم مجموعة من المعاني مصنفة بدرجات مختلفة من وجهة نظر الإبدال والمعاشرة، وهناك أمثلة عليه في أنواع مختلفة. يمكن العثور على أمثلة عديدة لاستبدال المعنى والمترادفات جنباً إلى جنب مع الاستبدال الصوتي؛ ونتيجة لذلك تبين أنه من خلال فحص العلاقة بين «ذ ل ل» با «ع ز ز» - «ك ب ر» - «س ك ن» - «ع ذ ب» - «ر ه ق» - «غ ض ب» في الجمل وخلق المعاشرة، جعلت الأبعاد المختلفة ل «ذ ل ل» أكثر وضوحاً.
تاريخ الاستلام: ١٤٠٣/٠٧/١٩	
تاريخ المراجعة: ١٤٠٣/٠٨/٢١	
تاريخ القبول: ١٤٠٣/٠٩/٢٧	

## ۱- مقدمه

مطالعات قرآنی در ابعاد مختلف مورد توجه پژوهشگران قرار دارد یکی از این ابعاد که نیاز به بررسی های بیشتری دارد بررسی کلمات قرآنی از منظر معناشناسی است که در این روند کلمات چند بعدی و عمیق در این کتاب مقدس و الهی از زاویه ارتباطات همنشینی و جانشینی واکاوی می شوند در این بررسی تلاش بر این است که این ارتباطات در رابطه با ذلت صورت گیرد و نشان داده شود که در کلام الهی شبکه ارتباطی و نمود واژه ای و معنایی برپایه « ذ ل ل » و مشتقات آن، واژه و معنای ذلت از ابعاد گوناگون به عملکرد و نتیجه مرتبط با رفتار آدمی از منظر این واژه و معنا آگاهی می بخشد و انسان را در مسیر عزت راهنمایی می کند.

شبکه واژگانی و معنایی ذلت در قرآن گستره وسیعی را به خود اختصاص داده است ریشه « ذ ل ل » با هم خانواده هایش ۲۴ بار با معنای حقارت و خواری در مفاهیمی چون انقیاد از روی اجبار و اکراه (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۵: ۵۵-۵۷) (عسکری، ۱۹۸۸، ۲۲۰) (الطباطبایی، ۱۴۳۰: ج ۳: ۳۸۳) تواضع، فروتنی حالت تسلیم شدن انسان در برابر قهر و غلبه، زبونی (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۱۸۰-۱۸۱) (الفیروزآبادی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۱۳۲۵-۱۳۲۴) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۳۲۴) (عسکری، ۱۹۸۸، ۲۲۰) (الطباطبایی، ۱۴۳۰، ج ۳: ۳۸۳) (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۶: ۳۴۵) در این کتاب ارتباط دارد. البته همه مشتقات این واژه بر معنای فوق دلالت ندارد. ریشه ع ز ز متضاد ریشه « ذ ل ل » محسوب می شود که کلمه عزت بیشترین همنشینی را با کلمه ذلت دارد که از باب تعرف الاشياء باضدادها یعنی شناخته شدن چیزها با ضدهایشان در تعیین دقیق گسترده معنایی این واژه در قرآن نقش بسزایی دارد.

پژوهش حاضر از دیدگاه معناشناسی هم این مفهوم و واژه های مرتبط با آن به ویژه « ذ ل ل » و مشتقات آن را بررسی کرده و روشن کرده که چه کلماتی با این کلمه همنشینی بیشتری دارند و از منظر جانشینی چه کلماتی معنای ذلت را تداعی می کنند.

## ۲- روش پژوهش

این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی به صورت کتابخانه ای به بررسی « ذ ل ل » و مشتقات آن در کتاب قرآن کریم از منظر معناشناسی پرداخته، نشان می دهد ذلت دارای گستره معنایی است که در درجات متفاوتی رده بندی می شود.

## ۳- پیشینه پژوهش

مطالعات معناشناسی در گستره زبان فارسی از سالیانی دور مورد توجه بوده در این پژوهش پیشینه تحقیق از چند زاویه قابل بررسی اس از جمله درباره الف. معناشناسی، ب. معناشناسی متون مقدس اسلامی و پ. معناشناسی کتاب مقدس قرآن کریم؛

۳-۱- درباره معناشناسی: می توان به مقاله مقدمه ای بر معناشناسی اثر فریدون بدره ای (۱۳۷۴) در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و کتاب نگاهی تازه به معناشناسی اثر فرانک رابرت پالم (۱۳۷۴) با ترجمه کورش صفوی که چاپ هشتم آن در (۱۴۰۰) منتشر شده است و همینطور کتاب درآمدی بر معناشناسی اثر کورش صفوی (۱۳۸۰) که چاپ هفتم (۱۳۹۷) با هدف معرفی اجمالی مهم ترین نکات مورد بحث در دانش معنی شناسی و به شیوه درسنامه تدوین گردیده است در فصول نهم و دهم درباره همنشینی معنایی و جانشینی معنایی مطالبی آورده است و نیز شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۱) در کتاب مبانی معناشناسی نوین، که چاپ هفتم آن در (۱۳۹۹) منتشر شده تلاش کرده اصول معناشناسی نوین را مبتنی بر مکتب پاریس معرفی و تحلیلی معناشناختی از یک داستان ایرانی به دست دهد وی بر این باور است که کلام فرآیندی معنایی است که بر اثر گفتمان (فعالیت گفتمانی) شکل می گیرد یعنی این که گفتمان مسئول ایجاد کلام است، پس نباید به کلام به چشم مجموعه ای از نشانه ها نگاه کرد، بلکه باید آن را یک واحد معنایی یا یک کل معنادار دانست که این نخستین اصل در تجزیه و تحلیل معناشناختی به شمار می رود. همچنین کتاب درآمدی بر معناشناسی زبان با ترجمه کورش صفوی اثر جان لاینز، (۱۳۹۱) که معرفی ابزارهای لازم برای درک مبانی مطالعه معنی در زبان شناسی پرداخته است و همچنین صفوی، کورش. (۱۳۸۲) در کتاب معناشناسی کاربردی معنی شناسی کاربردی مانند پیش زمینه، شاخه های معنی شناسی کاربردی، بافت، ارجاع به جهان خارج،

نظریه‌های معنایی، ملاک‌های صوری متن، ملاک‌های نقش متن، معنی غیر کلامی، معانی فرهنگی اجتماعی، انتقال معنایی، واقعیت شکنی، و سبک پرداخته است و در کارهای اخیر در این باره نیز کتاب زبان و تبیین علمی: جایگاه معنی‌شناسی کجاست؟، ترجمه: معصومه مهرابی، مهرناز ابوالفتحی اثر آسولین، ارن، (۱۴۰۱) منتشر شده است نکته جالب توجه چاپ های متعدد این نوع آثار در سالهای اخیر است.

**۳-۲ معناشناسی متون مقدس اسلامی:** می توان به عنوان نمونه به صورت خاص به مطالعات انجام شده در ارتباط با قرآن کریم و نهج البلاغه اشاره کرد. ایینه وند، صادق و نیازی، شهریار (۱۳۷۹) معناشناسی اسماء الحسنی، مجله: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بهار و تابستان ۱۳۷۹، سال چهارم و یکم - شماره ۱ و ۲ تا ۱۸. در قالب لغت، کلام، تصوف، عرفان و فلسفه به جستجوی چنین نظامی وارد شده با پرداختن به روابط معنایی اسماء، مسائلی مانند هم معنایی، چندمعنایی، تضاد معنایی، همنشینی‌ها و اشتقاقهای صرفی اسماء را در قالب یک حوزه واژگانی جستجو کرده است. نصرالله شاملی در کتاب دو جلدی معناشناسی واژه های اخلاقی نهج البلاغه اشاره می کند که استفاده علم معناشناسی در متون مقدس (کتاب و سنت) می تواند لایه های معنایی جدیدی را به صورت حوزه های معناشناختی به جامعه دینی عرضه نماید لذا در این کتاب با استفاده از این علم بخشی از گستردگی معنایی واژگان اخلاقی نهج البلاغه را در عرصه معناشناختی و تشکیل سیستم‌ها و حوزه های معنایی آشکار می سازد تا عمق و وسعت بهتری از افق های معنایی سخن روشن شده و کاربردی بودن واژگان اخلاقی این اثر دیده شود. همینطور در مقالات متعددی که در این زمینه نگاشته شده از جمله: تقریبی، منصوره و موسوی نژاد، سکینه سادات. (۱۳۹۶). در مقاله معنا شناسی واژه حق در نهج البلاغه، مجله: پژوهش های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه بهار و تابستان، پیش شماره ۷۰ تا ۶۰ با بررسی معنای آن از نظر لغوی و اصطلاحی و بررسی سیر تحول و تطور معنای کلمه (معناشناسی تاریخی) به معناشناسی توصیفی واژه پرداخته ایم و در آن معنای مفهومی - مصداقی، انتزاعی - حسی و ارتباط معنایی آن با واژه های همنشین و جانشین و نانشین مورد بررسی قرار گرفته است. واژه حق در نهج البلاغه، پرسامد و دارای معنای لغوی ثابت و مطابق اب نفس الامر می باشد. قنبری، بخشعلی و صبوری، افسانه. (۱۳۹۹) در مقاله معناشناسی واژگان هم نشین حریت در نهج البلاغه، مجله: پژوهش های نهج البلاغه زمستان، شماره ۶۷ تا ۱۶۹ تا ۱۸۹. با کاربرد نظریه شبکه معنایی در مطالعات نهج البلاغه، گامی مهم در جهت شناخت مفاهیم نهج البلاغه و درک روابط معنایی میان واژگان این کتاب ارزشمند بردارد. هم نشینی واژگان عبد، صبر و شکر و شبکه معنایی آن‌ها با حریت، بعد معنوی به آن بخشیده و آن را ترفیع داده اند؛ قره خانی، ناصر. (۱۳۹۷). در مقاله بررسی معنی‌شناسی واژه ذلت در نهج البلاغه با رویکرد با هم‌آیی هم‌نشینی و جانشینی، مجله: پژوهشنامه نهج البلاغه زمستان، شماره ۲۴ تا ۱۹ از منظر علم معنی‌شناسی بررسی مفهوم اولیه واژه و سیر تحول آن از دوره جاهلی تا متن نهج البلاغه بررسی کرده و براساس روابط هم‌نشینی و جانشینی به دو پرسش پاسخ داده شود: یکی آن‌که کدام واژه‌ها بیشترین همنشینی را با واژه ذلت دارد؟ و از سوی دیگر با رویکرد جانشینی چه واژه‌ها و احیاناً جملاتی تداعی‌کننده مفهوم ذلت هستند؟ در نتیجه کلماتی مانند عزت، نفس، طمع، اسارت، مستکینه، عار و فرار بیشترین همنشینی را با ذلت داشته و کلماتی از قبیل قماءه، دناءه، ضعه و خسف و حتی برخی جمله‌ها، بر محور جانشینی معنای ذلت را به ذهن می‌رساند؛ افزون بر این تداعی آوایی برخی واژه‌ها مثل اُصل و اُزل در تبادر معنای ذلت در اندیشه مخاطب قابل توجه است.

**۳-۳ معناشناسی کتاب مقدس قرآن کریم: درباره متون مقدس بویژه قرآن کریم چندین سال است که مورد توجه قرار دارد درباره مطالعات مستقیم معناشناسی از جمله صفری، سید ناصر (۱۳۷۴) در مقاله مفهوم تقوا و کاربرد آن در قرآن کریم، مجله: پژوهش‌های قرآنی، زمستان، شماره ۴ تا ۲۵۱ تا ۲۶۸ اشاره ای به همنشینی و جانشینی ندارد؛ علی شریفی (۱۳۹۴) در کتاب معناشناسی قرآن در اندیشه شرق شناسان با تاکید بر ایزوتسو به بیان نظریات معناشناسی و برداشتهای ایزوتسو از منظر قوم زبان شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. عضیمه، صالح. (۱۳۸۱) در کتاب معناشناسی واژگان قرآن، با ترجمه سید حسین سیدی. این کتاب به چاپ چهارم هم رسیده است به شکل موضوعی به شرح و بررسی واژگان قرآنی پرداخته و کلماتی مانند ابتلا، اعتزال، انسان، برزخ، تطیر، تمثیل، حبط، حکمت، ذکر، شفاعت، عقل، قضا، کلام، ملکوت، ولایت و یقین با نگاهی تحلیلی تطبیقی همراه با ذکر آیات و روایات و دواوین شعرای عرب و متون عرفانی واکاوی کرده است؛ امیررضا اشرفی و الهام**

فردوسی (۱۳۸۹) در مقاله معناشناسی صلوة در قرآن در صدد تبیین جایگاه معنایی واژهء کانونی صلوة به شیوهء معناشناسی تاریخی و توصیفی با الهام از روش ایزوتسو است. در معناشناسی تاریخی به معنای اصلی ماده صلوة با استناد به اشعار عصر جاهلی، کتب تاریخی و تفسیری توجه شده است. در معناشناسی توصیفی نیز ارتباط معنایی واژه صلوة با واژه‌های هم‌نشین و جانشین در قرآن بررسی شده است. حاصل مطالعه معنایی تاریخی اینکه اعراب جاهلی صلوة را نوعی نیایش و عبادت می‌شناخته‌اند. مطالعه توصیفی نیز نشان می‌دهد که صلوة در کاربرد وحیانی بر محور جانشینی با واژه‌هایی مانند دعا، ذکر، تسبیح و بر محور هم‌نشینی با واژه‌هایی مانند اقامه، صبر، خاشعون در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرد. یکی از نتایج مهم بررسی توصیفی، آشکار شدن پیوند معنایی عمیق صلوة با سایر واژه‌های هم‌حوزه در قرآن است. این پیوندها باعث شده تا صلوة کاملاً تحت تأثیر کلمات مجاور و نظام معنایی مستقر در آن قرار بگیرد و با معنایی متمایز و متعالی به حیات خود ادامه دهد. نورمحمدی، احد. (۱۳۹۵) در مقاله مفهوم شناسی واژه فسق و حوزه معنایی آن در قرآن کریم، احسن الحدیث بهار و تابستان، شماره ۱ ۲۷ تا ۴۳ واژه فسق را با روش معنایی بررسی کرده و مفهوم و ماهیت فسق در لغت، اصطلاح و آرای مفسران، کاربردهای قرآنی آن را آورده است. شیخی، عبدالرحیم؛ بهنوش، اصغری؛ علی، ضیغمی؛ مهرداد آقائی. (۱۳۹۷) در مقاله کاربرد نظریه شبکه شاعی در معناشناسی واژگان قرآنی (صراط، سبیل، طریق). با رویکردی شناختی و با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی به معناشناسی واژگان قرآنی (صراط، سبیل، طریق) با نظریه شبکه شاعی پرداخته و با توجه به استعاره مفهومی و طرحواره‌های تصویری امور محسوس به عنوان مبدأ برای امور معنوی غیرمحسوس به عنوان مقصد بیان می‌کند. مروتی شریف آباد حمیده و سیدمحمدایلیا اسعدی فیروزآبادی (۱۴۰۲) در مقاله معناشناسی واژه مخضود در قرآن که البته رویکرد جانشینی و هم‌نشینی ندارد؛ جوانرودی، مصطفی و حسین رستمی، حسین. (۱۴۰۲) در مقاله معناشناسی واژه ظل در قرآن کریم، مجله: مطالعات سبک شناختی قرآن کریم پاییز و زمستان ۱۴۰۲ - شماره ۱۳، ۱۴۰ تا ۱۶۲ که از طریق بررسی مولفه‌های بلاغ معنایی، ترادف، تضاد، هم‌نشینی و جانشینی این واژه مورد تحلیل قرار گرفته است. همینطور مهدی زنگنه و رضا دادگر (۱۳۹۴) در مدخل ذلت در دایرة المعارف قرآن کریم جلد سیزدهم، چاپ اول، تهیه و تدوین: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، موسسه بوستان کتاب. به جنبه‌های مختلف مفهوم ذلت در آیات قرآن پرداخته‌اند. در جمع‌بندی می‌توان گفت که معناشناسی به صورت نظری و کاربردی و همینطور مطالعات معناشناسی روی واژگان متون مقدس اسلامی از جمله قرآن و نهج البلاغه و به صورت خاص در قرآن کریم در گستره فارسی مورد توجه روز افزون بوده و هست البته در زمینه ذلت کارهای چندانی دیده نمی‌شود و از منظر هم‌نشینی و جانشینی هم این موضوع جای بررسی‌های بیشتری دارد تا با ژرف نگری و کاوش‌های نظری و تطبیقی ابعاد مختلف آن از نظر کلام الهی روشن تر گردد.

دانش معناشناسی که در سالهای اخیر مورد توجه بیش از پیش قرار گرفته است دارای طبقه بندی‌هایی متفاوتی شامل معناشناسی شناختی، ساخت گرا، نو ساخت گرا، تاریخی، فقه اللغوی است که برای روشنتر شدن منظور کلام الهی در مطالعات متون مقدس از جمله قرآن کریم هم گسترده شده است از این رو با توجه به اهمیت مفهوم ذلت در زندگی بشری در این پژوهش کلمه ذلت از ریشه یعنی «ذ ل ل» و مشتقات آن از منظر معناشناسی در قرآن کریم مورد بررسی دقیقتر قرار گرفته و ابعاد دیگری از آن در مقایسه با «ذ ل ل» با «ع ز ز» - «ک ب ر» - «س ک ن» - «ع ذ ب» - «ر ه ق» - «غ ض ب» استخراج شده است و این نوع نگاه به این کلمه و مشتقات آن در قرآن کریم گامی رو به جلو در کنار سایر تحقیقات انجام شده به شماره می‌رود و باعث روشنتر شدن و درک بهتر مفاهیم عمیق این کتاب آسمانی هم می‌شود.

### ۳- مبانی نظری پژوهش

#### ۳-۱ معناشناسی

برای معناشناسی تعریف‌های متعددی ارائه شده است از جمله آن را بررسی علمی معنا دانسته‌اند که توجه به خود زبان دارد و درصدد کشف نحوه فعالیت ذهن آدمی برای درک کردن معنا از راه زبان است و به عبارت دیگر تلاشی برای روشن کردن بازنمودهای ذهن انسان است. (صفوی، ۱۳۹۷، ۲۶۵)

## ۳-۲- جانشینی و همنشینی

جانشینی و همنشینی از مباحث مهم در دانش زبان شناسی بویژه معناشناسی است؛

**الف. جانشینی:** گاهی اوقات کلمات در کنار هم می آیند که جایگاه خاصی در مغز دارند که گنجینه درونی زبانی هر فرد را می سازند که از آن به ارتباطات جانشینی یا متداعی یاد می شود؛ ( سجودی، ۱۳۸۳، ۵۲-۵۳) به عبارت دیگر یک سری عاملی که دارای ارتباطات انفصالی هستند و این قابلیت را دارند که در یک عبارت جانشین هم شوند. ( شعیری، ۱۳۹۹، ۱۰۸) سعدی به فارسی شعر سروده است و صاحب بوستان در شیراز مدفون است که در آن سعدی با کلمه صاحب بوستان جانشین شده است گاهی اوقات این جانشینی به علت روابط استعاره ای است که در ذهن اهل زبان نسبت به برخی کلمات و عبارات ها وجود دارد مانند شجاعت شیر که در فرد شجاع در نظر گرفته می شود و به جایی اینکه اسم فرد برده شود با عنوان شیر از آن یاد می شود. مثلاً گفته می شود شیر وارد می شود؛ به عبارتی کاربرد نشانه ای از زبان به عنوان جانشین نشانه دیگری که با حفظ مفهوم اولیه خود جانشین معنای دیگری می شود ( صفوی، ۱۳۹۷، ۲۷-۲۸) که دارای چند گونه است از جمله تداعی سازه ای که مثلاً یک پسوند تکرار می شود مانند دانشمند کارمند هوشمند یا تداعی آوایی که از نظر آوایی شباهت وجود دارد کاخ با کوخ یا تداعی معنایی که کلمات ارتباطات متقابل یا همپوشان دارند مانند مور و ملخ یا تند و تیز یا زد و خورد. ( صفوی، ۱۳۸۲، ۱۱-۱۲)

**ب. همنشینی:** گاهی اوقات هم کلمات در زبان به دلیل کنار هم قرار گرفتن ارتباطاتی را با هم ایجاد می کنند ( سجودی، ۱۳۸۳، ۵۲-۵۳) قرارگیری کلماتی با خصوصیات اساسی مشترک بر محور همنشینی به گونه ای هم آبی را به همراه دارد که از آن با عنوان هم آبی همنشینی یاد می شود که در آن فعل یا صفت با اسم بر محور همنشینی قرار می گیرد که اهل زبان بدون درنگ آن را می توانند به کار برند مانند گاززدن و گاز گرفتن دندان که در آن مواردی چون زبان و مکش و لب و لیس زدن با هم آبی همنشینی دارند. ( صفوی، ۱۳۹۷، ۱۹۸) از طرف دیگر از باب تعرف الاشیاء باضدادها چیزها با ضدهایشان شناخته می شوند با آمدن معنای ضد می توان معنای اولیه را دقیقتر تشخیص داد. مثلاً در جمله هوشنگ رفت و هوشنگ آمد معنایی کم و زیاد برای این دو کلمه رفت و آمد اضافه نمی شود لوی در مثالهایی مانند آب جوش آمد و هوشنگ رفت اینجا وضعیت متفاوت بوده که جوش و هوش در کنار رفت و آمد معنای دیگری به این دو کلمه می دهند. ( صفوی، ۱۳۹۷، ۲۵۰-۲۵۳) توضیح بیشتر آنکه گاهی اوقات همنشینی از نوع تقابل است مانند کوتاه و بلند که بسته به بعد تقابل آن می توان به صورت های مختلف طبقه بندی کرد. از جمله تقابل دوسویه که به نوعی همان تناقض منطقی است که وجود یکی مستلزم نبود دیگری است مانند بود و نبود یا زنده و مرده ؛ فلانی زنده است یعنی حتما مرده نیست ؛ یا تقابل مدرج که به نوعی شبیه همان تشکیک فلسفی است که رتبه بندی و درجه بندی داری مثلاً آب گرم نیست معنایش این نیست که حتما یخ و سرد است شاید ولرم باشد و درجه ای پایین تر از نقطه جوش. ( صفوی، ۱۳۹۷، ۱۹۸)

## ۴- نتایج

### ۴-۱- معنای نخستین ریشه «ذ ل ل»

برای ورد به بررسی اولیه ریشه «ذ ل ل» می توان از منظر اهل زبان به آن پرداخت یا از طریق پیدا کردن بی نشان ترین معنای یک کلمه ، معنای اولیه آن کلمه آشکار می شود به نحوی که کلمه همنشین بر معنی آن اثرگذار نباشد. ( صفوی، ۱۳۹۷، ۱۱۸)

از آنجایی که این ریشه از زبان عربی است برای ریشه شناسی این لغت ناچار به آثار کهن ادبیات و لغت مراجعه کرد

### ۴-۱-۱- ریشه «ذ ل ل» در ادبیات عربی

مصدر ثلاثی مجرد ذَلَّت در لغت در مقابل عزت در ادبیات عربی استفاده شده است. بررسی اشعار و لغت نامه های برای یافتن معنای نشان از آن دارد که نخستین معنای این ریشه پایین بودن است که در کتاب قرآن کریم این معنای گسترش مفهومی یافته است و معنای مثبتی را هم شامل شده است. مفاهیمی چون هموار شدن راه در اثر رفت و آمد، نزدیک شدن میوه و ثمره درخت به زمین، تواضع و فروتنی در مقابل خدا و مومنان که معنای مثبتی برای ریشه «ذ ل ل» به حساب می آید وَاحْفَظْ لَهَا

جَنَاحِ الدَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَفُلٍ رَبِّ ارْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (اسراء/ ۲۴) و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو: پروردگارا، آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند. (ترجمه فولادوند، اسراء / ۲۴) زبونی و خواری در مقابل غیر حق که معنای منفی برای این ریشه محسوب می شود وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ۗ (بقره/ ۶۱) و [داغ] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد، و به خشم خدا گرفتار آمدند (ترجمه فولادوند، بقره / ۶۱)، و رام و فرمانبردار بودن از این ریشه برداشته شده است (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۱۸۰-۱۸۱)

ذلت در لغت به معنای زبونی، خواری، حقارت، حالت تسلیم شدن انسان در برابر قهر و غلبه (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۱۸۰-۱۸۱) (الفیروزآبادی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۱۳۲۵-۱۳۲۴) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۳۲۴) (عسکری، ۱۹۸۸، ۲۲۰) (الطباطبایی، ۱۴۳۰، ج ۳: ۳۸۳) (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۶: ۳۴۵) و انقیاد از روی اجبار و اکراه می باشد (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۵: ۵۵-۵۷) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۳۲۴) (عسکری، ۱۹۸۸، ۲۲۰) (الطباطبایی، ۱۴۳۰، ج ۳: ۳۸۳) این واژه از ریشه «ذ ل ل» گرفته شده و دقیق ترین واژه ای است که بر مفهوم حقارت و خواری دلالت دارد. ضد آن از ریشه ع ز ز می باشد (ابن درید، ۱۹۸۷، ج ۱، ۶۸۵) (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۵: ۵۵-۵۷) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۳۲۴) (عسکری، ۱۹۸۸، ۲۲۰) (الطباطبایی، ۱۴۳۰، ج ۳: ۳۸۳)

#### ۴-۲ بررسی آماری ریشه «ذ ل ل» در قرآن کریم

ریشه «ذ ل ل» با مشتقاتش حدود ۲۴ بار در قرآن کریم به کار رفته است که تنها برخی از مشتقاتش با مفهوم ذکر شده، ارتباط نزدیکی دارد: (عبدالباقی، ۱۴۰۷، ص ۵۱۷)

#### ۴-۲ جانشین های «ذ ل ل» در قرآن کریم

گونه های مختلف جانشینی یا تداعی در قرآن کریم برای «ذ ل ل» وجود دارد که بیشتر بر هم معنایی و مترادف بودن اشاره دارد که اکثرا بر معنای منفی از ذلت اشاره دارند از جمله:

#### ۴-۲-۱ جانشینی هم معنایی و مترادف «ذ ل ل»

۱- از ریشه «خ ز ی» از مصدر خزایه به معنای خوارشدن همراه با افتضاح و شرمندگی زیاد از سوی دیگران (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۱۶۶) (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۴: ۳۰۵) (الطباطبایی، ۱۴۳۰، ج ۱۸: ۱۳۰) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۳۲۴) (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۲: ۱۳۰) (آل عمران/ ۱۹۲ و ۱۹۳) و (شعرا/ ۸۷)

۲- از ریشه «خ س ء» به معنای با خواری راندن (بقره/ ۶۵)، (مومنون/ ۱۰۸) (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۱۴۷) (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۴: ۳۰۵) (الطباطبایی، ۱۴۳۰، ج ۳: ۳۲۷) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۳۲۴) (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۲: ۱۳۰) (عسکری، ۱۹۸۸، ۲۱۵) (الزنجشیری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۶۲۸) (الطبرسی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۳۹۱-۳۹۲، ج ۱: ۷۷۴، ج ۵: ۱۱)

۳- از ریشه «ص غ ر» به معنای کوچک شدن، خواری به همراه اعتراف به زبونی و پستی (توبه/ ۲۹)، نمل/ ۳۷ و انعام/ ۱۲۴.... (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۱۴۷) (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۴: ۸۹) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۵۳) (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۱: ۳۵۹)

- ۴- از ریشه «خ ش ع» در لغت به معنای تضرع و زاری و در برخی از آیات کنایه از ذلت و خواری می باشد. (طه/۱۰۸)، (اسرا/۱۰۹)، (حشر/۲۱)، (رشدی الزین و عدنان، ۱۴۱۶، ج ۱: ۴۴۸) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴: ۲۴۳-۲۴۵) (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۲: ۱۰) (عسکری، ۱۹۸۸، ۳۱۴) (الطباطبایی، ۱۴۳۰، ج ۳: ۳۲۷؛ ج ۱۶: ۳۳۶)
- ۵- از ریشه «و س م» در لغت به معنای تاثیر چیزی بر چیز دیگر آمده و در قرآن کنایه از حقارت و خواری است. (قلم/۱۶). (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۱۴۸) (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۴: ۱۰۱-۱۰۲) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۶۰-۶۳) (الطباطبایی، ۱۴۳۰، ج ۱۸: ۶۶؛ ج ۵۸، ۱۹۷۹) (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۱: ۳۹۵-۳۹۶) (رشدی الزین و عدنان، ۱۴۱۶، ج ۱: ۳۹۴)
- ۶- از ریشه «ک ب ت» در لغت به معنای رد کردن با زور و عنف همراه با خواری و ذلت آمده است و در برخی موارد کنایه از خواری و حقارت استعمال شده است. (آل عمران/۱۲۷)، (مجادله/۵) و... (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۵۲۴) (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۱۵: ۳۰۱-۳۰۳) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۳: ۱۱۰) (الطباطبایی، ۱۴۳۰، ج ۱۹: ۳۷۲) (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۲: ۶۳۳) (فخر الرازی، ۱۹۹۵، ج ۳۰: ۸۶)
- ۷- از ریشه «ه و ن» که دارای معانی گوناگون بوده و یکی از آنها بر خواری و زبونی دلالت دارد. (انعام/۹۳ و نحل/۵۹) (رشدی الزین و عدنان، ۱۴۱۶، ج ۲: ۹۷۴) (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۴۲۰) (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۱۲: ۱۰) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۱۳-۱۴) (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۲: ۴۳۱) (فخر الرازی، ۱۹۹۵، ج ۳۰: ۸۶) (عبدالباقی، ۱۴۰۷، ۱۳۷۹)
- ۸- از ریشه «د ح ر» به معنای دور کردن همراه با اهانت و خواری آمده است. (اعراف/۱۸)، (اسرا/۱۸، ۳۹) و... (رشدی الزین و عدنان، ۱۴۱۶، ج ۲: ۱۲۹۴) (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۵۴۷) (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۱۵: ۱۶۳-۱۶۵) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۱: ۲۹۷) (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۲: ۵۹۴) (فخر الرازی، ۱۹۹۵، ج ۱۳: ۸۶) (عبدالباقی، ۱۴۰۷، ۹۴۷)
- ۹- از ریشه «خ ض ع» در معنای فروتنی و افتادگی آمده است و در برخی از آیات بر مفهوم حقارت منطبق است. (شعرا/۴). (رشدی الزین و عدنان، ۱۴۱۶، ج ۱: ۴۱۹) (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۱۶۵) (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۴: ۲۹۸) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۱۷۷-۱۷۸) (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۲: ۳۳۱) (فخر الرازی، ۱۹۹۵، ج ۱۳: ۸۶) (عبدالباقی، ۱۴۰۷، ۴۵۹)
- ۱۰- از ریشه «س ف ل» در معنای خواری و پستی هم بکار رفته و برخی از مشتقات آن در این معنا آمده است. (صافات/۹۸)، (فصلت/۲۹) و... (رشدی الزین و عدنان، ۱۴۱۶، ج ۱: ۳۹۶) (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۱۵۰) (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۴: ۱۲۷-۱۲۹) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۷۶-۷۸) (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۱: ۳۶۳-۳۶۴) (عبدالباقی، ۱۴۰۷، ۴۶۸) (عسکری، ۱۹۸۸، ۲۲۰)
- ۱۱- از ریشه «خ ذ ل» در لغت به معنای بی فایده و بسیار بی بهره آمده و در آیات قرآنی بر معنای خواری دلالت دارد. (آل عمران/۱۶۰)، (فرقان/۲۹) و... (رشدی الزین و عدنان، ۱۴۱۶، ج ۱: ۵۷۶) (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۲۳۴) (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۶: ۲۸۵-۲۸۶) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۵: ۱۴۲-۱۴۴) (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۱: ۵۵۸-۵۵۹) (عبدالباقی، ۱۴۰۷، ۵۸۴)
- ۱۲- از ریشه «ع ن ت» در لغت به معنای سختی و زمانی که فرد در کاری که از آن می ترسد قرار می گیرد آمده است و در بعضی آیات قرآنی بر معنای خواری تطبیق میکند. (طه/۱۱۱). (رشدی الزین و عدنان، ۱۴۱۶، ج ۱: ۲۹۰) (الراغب

الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۲۳۴) (ابن منظور، ۱۹۸۸: ج ۴: ۴۵-۴۶) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۲۹-۳۰) (ابن فارس، ۱۹۷۹: ج ۱: ۳۵۰) (عبدالباقی، ۱۴۰۷، ۹۸۲)

۱۳- از ریشه « ن ک س » در لغت به معنای وارونه شدن با سرو ته را گویند و در قرآن در برخی موارد بر معنای حقارت و خواری تطبیق میکند. (سجده/۱۲) و.. (رشدی الزین و عدنان، ۱۴۱۶، ج ۱: ۲۹۰) (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۲۳۴) (ابن منظور، ۱۹۸۸: ج ۴: ۴۵-۴۶) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۲۹-۳۰) (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۱: ۳۵۰) (عبدالباقی، ۱۴۰۷، ۹۸۲)

۱۴- از ریشه « د خ ر » به معنای خوار شدن آمده و برخی از مواد آن در قرآن کریم در این معنا به کار رفته است. (صفات/۱۸) و... (رشدی الزین و عدنان، ۱۴۱۶، ج ۲: ۱۲۶۴) (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۵۰۵) (ابن منظور، ۱۹۸۸: ج ۱۴: ۲۸۳-۲۸۴) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ۲۴۲-۲۴۴) (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۲: ۵۸۲) (عبدالباقی، ۱۴۰۷، ۹۳۵) (فخر الرازی، ۱۹۹۵، ج ۲۲: ۱۸۶)

این قرابت معنایی، واژه پژوهان و مفسران را بر آن داشته تا به بیان روابط معنایی و تشریح تفاوت های آنها بپردازند، این مفهوم با توجه به جایگاه آن در نظام فکری و ارزشی اسلامی از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است؛ بیان و تحلیل مصادیق و پیامدهای گوناگون روانی، اخلاقی، عرفانی، فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اخروی آن، حوزه بسیار گسترده ای از مباحث قرآنی، تفسیری، اخلاقی و فقهی و... را تشکیل داده است. (عسکری، ۱۹۸۸، ۲۱۶، ۱۲۲، ۴۷۶، ۴۸۰، ۲۲۰، ۲۱۵، ۳۱۴) (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۵۱، ۱۷۷-۱۷۸، ۱۷۸، ۴۲، ۳۰-۲۹، ۹۱-۹۲، ۶۰-۶۳، ۷۶-۷۸؛ ج ۲: ۲۴۵-۲۴۳؛ ج ۵: ۱۴۲-۱۴۵؛ ج ۸: ۲۳۳-۲۳۵؛ ج ۱۰: ۱۳-۱۴؛ ج ۹: ۳۳۰-۳۳۲؛ ج ۱۱: ص ۲۹۷؛ ج ۱۲: ۲۴۲-۲۴۴؛ ج ۲۳: ص ۱۱۰) (الطبرسی، ۱۳۷۳، ج ۴: ص ۷۷۴، ج ۵: ص ۱۱/۱۱)

از جمله در متون اخلاقی به عنوان صفتی مذموم از آن یاد شده و حقارت و تن به ذلت دادن در مقابل دیگران را برای مومن جایز ندانسته اند و آن را صفتی در مقابل عزت دانسته اند البته فروتنی در مقابل مومنان ستوده شده است. (المولی محسن الکاشانی، ۱۳۸۳، ۳۶۳-۳۶۲) (النراقی، بی تا، ج ۶: ۲۷۱-۲۷۲)

#### ۴- ۲- ۲- جانشینی هم آوایی « ذ ل ل »

جانشینی هم آوایی را می توان از زیبایی های کلام الهی قرآن به شمار آورد گاهی اوقات کلماتی با شباهتهایی که در آوا با کلمات دیگر دارند می توانند جانشینی گروهی از کلمات را ممکن سازد مثلاً کلماتی چون ض ل ل در معنای همراه شدن (الزمخشری، ۱۴۰۷، ۸۶) « ز ل ل » در معنای لغزیدن (الزمخشری، ۱۴۰۷، ۱۰۶) از نظر آوا قابلیت جانشینی با کلمه « ذ ل ل » به معنای خواری را دارند البته با گستره معنایی که نتیجه لغزش ذلت و خواری است؛ همینطور خود همراهی و نتیجه همراهی خواری و ذلت است؛ این سه واژه اشتراک در لام دارند که دو حرف از سه حرف اصلی ریشه هستند دارند و آوای ز البته یا سه نگارش نوعی ارتباط مفهومی ایجاد می کند.

#### الف. « ز ل ل »

##### ۱. « زَلَّ ل »

به معنای لغزیدن و لیز خوردن است (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۲، ۳۸۱) در آیه فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ (بقره/ ۲۰۹) اگر پس از آمدن آیات روشن لغزیدید یعنی به خطا رفتید. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، بقره/ ۲۰۹)

فَتَزَلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا (نحل/ ۹۴) تا پائی پس از استواریش بلغزد. غرض مردد شدن و برگشتن از تصمیم است. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، نحل/ ۹۴)

## ۲. ازلال

به معنای ازلال، لغزانیدن و به خطا افکندن است. در آیه فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا... (بقره/ ۳۶) شیطان آن‌ها را فریب داد و از بهشت لغزانید. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، بقره/ ۳۶)

## ۳. استزلال

استزلال، طلب لغزش و خطاست. در آیه إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا (آل عمران / ۳۶) فقط شیطان آن‌ها را در اثر بعضی از کارهای بد لغزش داده و به خطا انداخته و یا از آن‌ها خطا رفتن خواسته است. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، آل عمران / ۳۶)

## ب. ض ل ل

### ۱. ضلال

معنی آن گمراهی

إِنِّي أَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (انعام / ۷۴) من تو را و قومت را در انحراف و گمراهی آشکار می‌بینم. یعنی انحراف از راه حق. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، انعام / ۷۴)

معنی آن از مقابله با هدایت بهتر روشن می‌شود چنانکه فرموده: آیه قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (ق / ۸۵).. بگو: پروردگار من از همه بهتر می‌داند چه کسی برنامه هدایت آورده، و چه کسی در گمراهی آشکار است. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، ق / ۸۵)

### ۲. اضلال

اضلال به معنای منحرف کردن و گمراه نمودن است. أَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَ مَا هَدَىٰ (طه / ۷۹) (فرعون قوم خود را گمراه ساخت؛ و هرگز هدایت نکرد. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، طه / ۷۹) وَ أَضَلَّهُمُ السَّمِيرِيُّ (طه / ۸۵).. و سامری آن‌ها را گمراه ساخت. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، طه / ۷۵)

آن در قرآن به خدا و شیطان و دیگران نسبت داده شده است، مثل آیه فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ (روم / ۳۰) پس چه کسی می‌تواند آنان را که خدا گمراه کرده است هدایت کند؟! (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، ق / ۸۵)

و درباره شیطان فرموده: آیه وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (نساء / ۶۰) اما شیطان می‌خواهد آنان را در گمراهی دوری بیفکند. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، نساء / ۶۰)

### ۳. ضالّ

ضالّ به معنای منحرف از حق و گمراه است. وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (مطففین / ۳۲) و هنگامی که آنها را می‌دیدند می‌گفتند: به یقین اینها گمراهانند. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، مطففین / ۳۲) وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ (ضحی / ۷) و تو را گم شده یافت و هدایت کرد. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، ضحی / ۷)

### ۴. اضلّ

اضلّ اسم تفضیل است. آیه أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَ أَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ (مائده / ۶۰) موقعیت و جایگاه آنها، بدتر است؛ و از راه راست، گمراه‌ترند. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، مائده / ۶۰)

## ۵. تضلیل

تضلیل به معنای منحرف کردن و گمراه و ضایع نمودن است. آیه **لَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ** (فیل / ۲) آیا حيله آنها، آنها را در انحراف و تباهی قرار نداد؟ یعنی آنها تدبیر ویرانی مگه را کرده بودند خداوند تدبیرشان را تباه ساخت. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، فیل / ۲)

آنگاه که حيله کسی را تباه و منحرف کنند گویند: **ضَلَّلَ كَيْدَهُ**. مصدر در آیه به معنی مفعول است. مثلاً کلماتی چون «ض ل ل» در معنای گمراه شدن (الزخشری، ۱۴۰۷، ۸۶) «ز ل ل» در معنای لغزیدن (الزخشری، ۱۴۰۷، ۱۰۶) از نظر آوا قابلیت جانشینی با کلمه «ذ ل ل» به معنای خواری را دارند البته با گستره معنایی که نتیجه لغزش ذلت و خواری است؛ همینطور خود گمراهی و نتیجه گمراهی خواری و ذلت است؛ این سه واژه اشتراک در لام دارند که دو حرف از سه حرف اصلی ریشه هستند دارند و آوای ز البته یا سه نگارش نوعی ارتباط مفهومی ایجاد می کند.

## ۴-۲-۳ جانشینی عبارات و جمله ها

جانشینی عبارت ها و جمله ها را نیز می توان از زیبایی های کلام الهی قرآن به شمار آورد گاهی اوقات جملات و عباراتی در این کلام مقدس می توان یافت که می توانند جانشینی جمله ای و عبارت معنای ذلت را ممکن سازند و معنای مثبت و منفی ذلت را می رساند

### ۱. معنای مثبت ذلت فروتنی و خضوع موجودات در برابر خدای متعال

در آیه **أَوْمَرُوا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَّبِعُونَ ظُلْمًا لَّهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ** (نحل / ۴۸) آیا به چیزهایی که خدا آفریده است، ننگریسته اند که [چگونه] سایه هایشان از راست و [از جوانب] چپ می گردد، و برای خدا در حال فروتنی سر بر خاک می ساینند؟ (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، نحل / ۴۸) یا در آیه **وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ۗ وَقَدْ حَابَّ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا** (طه / ۱۱۱) و چهره ها برای آن [خدای] زنده پاینده خضوع می کنند، و آن کس که ظلمی بر دوش دارد نومید می ماند. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، طه / ۱۱۱)

### ۲. معنای منفی ذلت به معنای خواری و زبونی

البته انواع مختلفی برای آن گفته شده است از جمله خوار شدن از سوی خدا در دنیا آیه **فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْحِزْبِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا** (فصلت / ۱۶) پس بر آنان تندبادی توفنده در روزهایی شوم فرستادیم تا در زندگی دنیا عذاب رسوایی را بدانان بچشانیم (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، فصلت / ۱۶) و در آخرت آیه **رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ** (آل عمران / ۱۹۲) پروردگارا، هر که را تو در آتش درآوری، یقیناً رسوایش کرده ای، و برای ستمکاران یاورانی نیست. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، آل عمران / ۱۹۲) یا خوار شدن از سوی مردم آیه **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمًا مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللُّقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ** (حجرات / ۱۱) ای کسانی که ایمان آورده اید، نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند]، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و از یکدیگر عیب مگیرید، و به همدیگر لقبهای زشت مدهید؛ چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان. و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، حجرات / ۱۱)

موارد متعددی در زمینه جانشینی عبارت ها و جملات برای معنای ذلت در ارتباط با ابعاد اعتقادی مانند آیه (توبه / ۲) ابعاد اخلاقی مانند آیه (غافر / ۵۰) ابعاد عملکردی با دیگران مانند (بقره / ۶۵) و نجات از ذلت مانند آیه (هود / ۵۸) می توان اشاره کرد.

### ۴-۳- همنشینی های «ذال ل» در قرآن کریم

گونه های مختلف همنشینی در قرآن کریم برای «ذال ل» وجود دارد که بیشتر بر تقابل و تضاد با این ریشه اشاره دارد که اکثراً بر معنای منفی از ذلت اشاره دارند از جمله:

#### ۴-۳-۱ همنشینی «ع ز ز» - «ذال ل»

بررسی ریشه و مشتقات «ذال ل» در قرآن کریم نشان می دهد که ریشه «ع ز ز» و به صورت خاص واژه عزت همراه با کلمه ذلت بوده و همنشینی بیشتر از نوع تقابلی دوسویه را دارد و در معنای خوار شدن و بزرگی یافتن و نیز در معنای رام شدن و سرکشی کردن تقابل معنایی دارند که به روشن شدن معنای همدیگر کمک می کنند.

۱. شیوه ورود حاکمان از زبان ملکه سبا در ایه (نمل/۳۴) که بزرگان را خوار می کنند. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، نمل/۳۴)
  ۲. آیه قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ ۗ بِيَدِكَ الْخَيْرُ ۗ إِنَّكَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (آل عمران/۲۶) بگو «بار خدایا، تویی که فرمانفرمایی؛ هر آن کس را که خواهی، فرمانروایی بخشی؛ و از هر که خواهی، فرمانروایی را باز ستانی؛ و هر که را خواهی، عزت بخشی؛ و هر که را خواهی، خوار گردانی؛ همه خوبیها به دست توست، و تو بر هر چیز توانایی. خدا قدرت این را دارد که خوار گرداند یا بزرگی بخشد. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، آل عمران/۲۶)
  ۳. آیه يَفُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (منافقين // ۸) می گویند: «اگر به مدینه برگردیم، قطعاً آنکه عزتمندتر است آن زبون تر را از آنجا بیرون خواهد کرد.» و[الی] عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است؛ لیکن این دورویان نمی دانند. عزت واقعی دست خداست و منافقین نمی توانند به کسی عزت داده یا او را خوار کنند. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، منافقین // ۸)
- این نمونه ها نشان می دهد که همنشینی عزت و ذلت در این آیات بیشتر از نگاه اخلاقی است و البته از نظر ساختار صرفی واژه ها بسته به موقعیت استفاده شده و مفهوم بالاتری در همنشینی خود ارایه می دهند

#### ۴-۳-۲ همنشینی «ک ب ر» - «ذال ل»

- بررسی ریشه و مشتقات «ذال ل» در قرآن کریم نشان می دهد که ریشه «ع ز ز» و به صورت خاص واژه عزت همراه با کلمه ذلت بوده و همنشینی بیشتر از نوع تقابلی دوسویه را دارد و در معنای خوار شدن و بزرگی یافتن و نیز در معنای رام شدن و سرکشی کردن تقابل معنایی دارند که به روشن شدن معنای همدیگر کمک می کنند.
۱. آیه وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ الذَّلِيلِ وَكَرِهَهُ الْكَافِرُونَ (اسرا/ ۱۱۱) و بگو: «ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی داشته باشد.» و او را بسیار بزرگ شمار. نیاز می تواند خواری به بار آورد و خداوند چون صمد و بی نیاز است خواری و ذلت در او راه ندارد. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، اسرا/ ۱۱۱)

#### ۴-۳-۳ همنشینی «س ک ن» - «ذال ل»

۱. آیه وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ ثَمَرِهَا وَقَتَائِهَا وَفُومَهَا وَعَدْسَهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مِمَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِعَصَابٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (بقره/ ۶۱) و چون گفتید: «ای موسی! هرگز بر یک [نوع] خوراک تاب نیاوریم، از خدای خود برای ما بخواه تا از آنچه زمین می رویند، از [قبیل] سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز، برای ما برویند» [موسی] گفت: «آیا به جای چیز بهتر، خواهان چیز پست ترید؟ پس به شهر فرود آیید، که آنچه را خواسته اید برای شما [در آنجا مهیا] است.» و [داغ] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد، و به خشم خدا گرفتار

آمدند؛ چرا که آنان به نشانه‌های خدا کفر ورزیده بودند، و پیامبران را بناحق می‌کشتند؛ این، از آن روی بود که سرکشی نموده، و از حد درگذرانیده بودند. درباره بهانه جویی‌ها و کفر و کشتن پیامبران توسط بنی اسرائیل. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، بقره/ ۶۱) ۲. آیه ضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الدَّلِيلَ أَيْنَ مَا تَقُفُوا إِلَّا يَجْحَلِي مِنَ اللَّهِ وَحَجْلِي مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِعَصَبِي مِنَ اللَّهِ وَضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (آل عمران/ ۱۱۲) درباره کفر و پیامبرکشی بنی اسرائیل که نتیجه آن خواری و مسکنت است. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، آل عمران/ ۱۱۲)

#### ۴-۳-۴ همنشینی «ع ذ ب» - «ذ ل ل»

۱. آیه وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى (طه/ ۱۳۴) و اگر ما آنان را قبل از [آمدن قرآن] به عذابی هلاک می‌کردیم، قطعاً می‌گفتند: پروردگارا، چرا پیامبری به سوی ما نفرستادی تا پیش از آنکه خوار و رسوا شویم از آیات تو پیروی کنیم؟ (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، طه/ ۱۳۴) ۲. آیه وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الدَّلِيلِ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ (شورا/ ۴۵) آنان را می‌بینی [که چون] بر [آتش] عرضه می‌شوند، از [شدت] زبونی، فروتن شده‌اند؛ زیرچشمی می‌نگرند. و کسانی که گرویده‌اند می‌گویند: «در حقیقت، زیانکاران کسانی‌اند که روز قیامت خودشان و کسانشان را دچار زیان کرده‌اند.» آری، ستمکاران در عذابی پایدارند. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، شورا/ ۴۵)

#### ۴-۳-۵ همنشینی «ر ه ق» - «ذ ل ل»

۱. آیه خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ (قلم/ ۴۳) دیدگانشان به زیر افتاده، خواری آنان را فرو می‌گیرد، در حالی که [پیش از این] به سجده دعوت می‌شدند و تندرست بودند. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، قلم/ ۴۳) ۲. آیه خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (معارج/ ۴۴) در حالی که چشم‌هایشان (از هول و وحشت قیامت) به خواری فرو افتاده و ذلت (کفر و عصیان) بر آنها احاطه کرده، این همان روزی است که به آنها وعده می‌دادند. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، معارج/ ۴۴)

#### ۴-۳-۶ همنشینی «غ ض ب» - «ذ ل ل»

۱. آیه (بقره/ ۶۱) که در مورد دوم همنشینی «غ ض ب» - «ذ ل ل» اشاره شد. ۲. آیه إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ (اعراف/ ۱۵۲) آری، کسانی که گوساله را [به پرستش] گرفتند، به زودی خشمی از پروردگارشان و ذلتی در زندگی دنیا به ایشان خواهد رسید؛ و ما این گونه، دروغ‌پردازان را کیفر می‌دهیم. (ترجمه فولادوند، ۱۳۹۰، اعراف/ ۱۵۲) ۳. آیه (آل عمران/ ۱۱۲) که در مورد دوم همنشینی «غ ض ب» - «ذ ل ل» اشاره شد. بررسی فوق نشان داد که «ذ ل ل» با «ع ز ز» - «ک ب ر» - «س ک ن» - «ع ذ ب» - «ر ه ق» - «غ ض ب» که با ترکیب اینها در جملات و ایجاد یک همنشینی ابعاد مختلف «ذ ل ل» روشتر می‌شود.

## ۵. نتیجه گیری

معناشناسی از عرصه‌هایی است که بر عمق فهم از واژه‌ها و عبارت‌ها می‌افزاید و این نوع بررسی در بررسی واژگان متون مقدس از جمله قرآن کریم اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ برخی از نتایج این پژوهش به شرح زیر است:

۵-۱ این بررسی با محوریت ریشه «ذ ل ل» نشان داد که این مصدر ثلاثی مجرد ذلت در لغت در مقابل عزت در ادبیات عربی استفاده شده است.

۵-۲ بررسی اشعار و لغت نامه‌ها برای یافتن معنای نشان از آن دارد که نخستین معنای این ریشه پایین بودن است که در کتاب قرآن کریم این معنای گسترش مفهومی یافته است و معنای مثبتی را هم شامل شده است. مفاهیمی چون هموار شدن راه در اثر رفت و آمد، نزدیک شدن میوه و ثمره درخت به زمین، تواضع و فروتنی در مقابل خدا و مومنان که معنای مثبتی برای ریشه «ذ ل ل» به حساب می‌آید زبونی و خواری در مقابل غیر حق که معنای منفی برای این ریشه محسوب می‌شود.

۵-۳ برای این ریشه در برخی واژگان جانشینی در قالب ترادف و هم‌معنایی است و در برخی موارد جانشینی هم‌آوایی و در مواردی هم جانشینی عبارت‌ها و جمله‌هاست که این جانشینی‌ها می‌تواند نشانگر عمق معنایی کلام الهی و همینطور اشکار کننده بعدی از ابعاد زیبایی شناسی و معناشناسی با تاکید بر ریشه «ذ ل ل» در این کتاب آسمانی باشد.

بررسی فوق نشان داد که «ذ ل ل» با «ع ز ز» - «ک ب ر» - «س ک ن» - «ع ذ ب» - «ر ه ق» - «غ ض ب» که با ترکیب اینها در جملات و ایجاد یک همنشینی ابعاد مختلف «ذ ل ل» روشنتر می‌شود.

## ۶- منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم (۱۳۹۰). چاپ هفتم، ترجمه محمدمهدی فولادوند، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- [۲] ابن درید محمد بن الحسن بن درید الأزدي. (۱۹۸۷). الطبعة الأولى، **جمهرة اللغة**، ۳ ج، تحقیق: رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷ م.
- [۳] ابن فارس، ابوالحسین أحمد بن فارس بن زکریاء القزوینی الرازی. (۱۹۷۹). **معجم مقاییس اللغة**، ۶ ج، تحقیق: عبدالسلام هارون، بیروت: دارالفکر.
- [۴] ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۹۸۸). **لسان العرب**، ۱۸ ج، تحقیق: علی شیری، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- [۵] ابوهلال العسکری حسن بن عبدالله. (۱۳۹۸). **معجم الفروق اللغویة الحاوی الی هلال العسکری و جزاء من کتاب السید نورالدین الجزائری**، تحقیق: مؤسسه النشر الاسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۶] اشرفی رضا و الهام فردوسی. (۱۳۸۹). **معناشناسی صلوة در قرآن**، قرآن شناخت سال سوم بهار و تابستان، شماره ۱ (پیاپی ۵)
- [۷] ایینه وند، صادق و نیازی، شهریار. (۱۳۷۹). **معناشناسی اسماء الحسنی**، مجله: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بهار و تابستان ۱۳۷۹، سال چهل و یکم - شماره ۱ و ۱۲ تا ۱۸.
- [۸] آسولین، ارن، (۱۴۰۱). **زبان و تبیین علمی: جایگاه معنی‌شناسی کجاست؟**، ترجمه: معصومه مهربانی، مهرناز ابوالفتحی، بروجرد: دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره).
- [۹] بدره ای، فریدون. (۱۳۷۴). **مقدمه ای بر معناشناسی**، مجله: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، مهر، سال پانزدهم، شماره ۱، ۴۷ تا ۶۹
- [۱۰] پالمر، فرانک. (۱۳۷۸). **نگاهی تازه به معناشناسی**، چاپ پنجم، ترجمه: کورش صفوی، تهران: نشر مرکز.
- [۱۱] پالمر، فرانک. (۱۴۰۰). **نگاهی تازه به معناشناسی**، چاپ هشتم، ترجمه: کورش صفوی، تهران: نشر مرکز.
- [۱۲] تقریبی، منصوره؛ موسوی نژاد، سکینه سادات. (۱۳۹۶). **معناشناسی واژه حق در نهج البلاغه**، مجله: پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه بهار و تابستان، پیش شماره ۷ و ۵۰ تا ۶۰
- [۱۳] جوانرودی، مصطفی و حسین رستمی، حسین. (۱۴۰۲). **معناشناسی واژه ظل در قرآن کریم**، مجله: مطالعات سبک شناختی قرآن کریم پاییز و زمستان، شماره ۱۳، ۱۴۰ تا ۱۶۲
- [۱۴] حمیده مروتی شریف آباد و سیدمحمدایلیا اسعدی فیروزآبادی. (۱۴۰۲). **معناشناسی واژه خضود در قرآن**، آرایه‌های ادبی قرآن پاییز و زمستان ۱۴۰۲ - شماره ۲ ۲۴۳ تا ۲۶۲
- [۱۵] الراغب الاصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد. (۱۴۲۲). **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق محمدخلیل عثمانی، بیروت: دارالمعرفة. ۱۸۱-۱۸۰.

- [۱۶] رشدی الزین محمدبسام و محمدسالم عدنان. (۱۴۱۶). المعجم المفهرس لمعانی القرآن العظیم، بیروت: دارالفکر المعاصر؛ دمشق: دارالفکر.
- [۱۷] الزمخشری محمودبن عمر. (۱۴۰۷). الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتاب العربی.
- [۱۸] زنگنه مهدی و رضا دادگر. (۱۳۹۴). ذلت در دایره المعارف قرآن کریم، جلد سیزدهم، چاپ اول، تهیه و تدوین: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، موسسه بوستان کتاب. ۳۴۴ تا ۳۵۸.
- [۱۹] سجودی، فرزاد. (۱۳۸۳). نشانه شناسی کاربردی، چاپ دوم، تهران: نشر قصه.
- [۲۰] شاملی نصرالله. (۱۳۹۱). معناشناسی واژه های اخلاقی نهج البلاغه، اصفهان: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شعبه اصفهان.
- [۲۱] شریفی علی. (۱۳۹۴). معناشناسی قرآن در اندیشه شرق شناسان با تاکید بر ایزوتسو، قم: انتشارات ادیان و مذاهب.
- [۲۲] شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۱). مبانی معناشناسی نوین، چاپ اول، تهران: سازمان سمت
- [۲۳] شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۹). مبانی معناشناسی نوین، چاپ هفتم، تهران: سازمان سمت.
- [۲۴] شیخی، عبدالرحیم؛ بهنوش، اصغری؛ علی، ضیغمی؛ مهرداد آقائی. (۱۳۹۷). کاربرد نظریه شبکه شعاعی در معناشناسی واژگان قرآنی (صراط، سبیل، طریق)، مجله: پژوهش های ادبی - قرآنی، پاییز ۱۴۰۱، سال دهم - شماره ۳ ۶۴ تا ۸۰.
- [۲۵] صفوی، کورش. (۱۳۸۰). درآمدی بر معناشناسی، تهران: سوره مهر.
- [۲۶] صفوی، کورش. (۱۳۸۲). معناشناسی کاربردی، تهران: همشهری.
- [۲۷] صفوی، کورش. (۱۳۹۷). درآمدی بر معناشناسی، تهران: سوره.
- [۲۸] صفوی، کورش. (۱۳۸۲). پژوهشی درباره ی با هم آیی واژگانی در زبان فارسی، مجله: متن پژوهی ادبی، پاییز و زمستان، دوره ۶، شماره ۱۸ ۱۱-۱۲.
- [۲۹] الطباطبایی، السیدمحمدحسین. (۱۴۳۰). المیزان فی تفسیرالقرآن، مؤسسه النشر الاسلامی لتابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
- [۳۰] الطبرسی الفضل بن الحسن. (۱۳۷۳) مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تحقیق: السید هاشم الرسولی المحلاتی، مکتبه المعارف الاسلامیه.
- [۳۱] عبدالباقی محمد فواد. (۱۴۰۷). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. بیروت: دارالفکر.

- [۳۲] عظیمه، صالح. (۱۳۸۱). *معناشناسی واژگان قرآن*، چاپ اول، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: به نشر: انتشارات آستان قدس رضوی.
- [۳۳] عظیمه، صالح. (۱۳۹۲). *معناشناسی واژگان قرآن*، چاپ چهارم، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: به نشر: انتشارات آستان قدس رضوی.
- [۳۴] فخر رازی محمد بن عمر. (۱۹۹۵). *التفسیر الکبیر*، اعداد: محمد عبدالرحیم، دارالفکر.
- [۳۵] الفیروز آبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۲). *القاموس المحیط*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- [۳۶] قره خانی، ناصر. (۱۳۹۷). *بررسی معنی‌شناسی واژه ذلت در نهج البلاغه با رویکرد با هم‌آیی هم‌نشینی و جانشینی*، مجله: پژوهشنامه نهج البلاغه زمستان، شماره ۲۴ تا ۱۹.
- [۳۷] قنبری، بخشعلی و صبوری، افسانه. (۱۳۹۹). *معناشناسی واژگان هم‌نشین حریت در نهج البلاغه*، مجله: پژوهش‌های نهج البلاغه زمستان، شماره ۶۷ تا ۱۸۹.
- [۳۸] لاینز، جان. (۱۳۹۱). *درآمدی بر معناشناسی زبان*، ترجمه کورش صفوی، تهران: علمی.
- [۳۹] المصطفوی حسن. (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، الطبعة الاولى، طهران: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، الدائرة العامة للمركز و العلاقات الثقافية، جمهورية ایران الاسلامیة.
- [۴۰] المولی محسن الکاشانی، محمد بن المرتضی. (۱۳۸۳). *محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، الطبعة الثانية، تصحیح و تعلیق علی اکبر الغفاری، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۴۱] النراقی، محمد مهدی. (بی تا). *جامع السعادات*، تصحیح: السید محمد کلانتر، نجف: منشورات جامعة النجف الدینیة.
- [۴۲] نورمحمدی، احد. (۱۳۹۵). *مفهوم شناسی واژه فسق و حوزة معنایی آن در قرآن کریم*، احسن الحدیث بهار و تابستان، شماره ۱ تا ۲۷ تا ۴۳.